

## ده فرمان نقد ترجمه

کریم امامی

در نظرخواهی سردبیر کوشای مترجم از صاحب‌نظران دربارهٔ مفید بودن یا نبودن بخش "نقد ترجمه" در مجله، سه تن از دوستان در شمارهٔ پیشین جواز فایده‌مندی آن را صادر کرده‌اند. بنده هم در مقام یک آدم علاقه‌مند به مسائل ترجمه به چاپ رسیدن نقدهای ترجمهٔ خوب و خواندنی را سودمند می‌دانم. این البته در عالم نظر است. ولی می‌دانم که در عمل، دستیابی به چنین نقدهایی (که هم خوب و هم خواندنی باشند) به هیچ وجه آسان نیست. مشکلات کار در حقیقت به اندازه‌ای زیاد است که یقین دارم سردبیر مترجم بارها و سوسه شده است از خیر بخش "نقد ترجمه" بگذرد. چون تا زمانی که بخشی با این عنوان در مجله وجود دارد، به ناچار باید پُر شود. و همهٔ نقدهایی هم که سردبیر سفارش می‌دهد و یا خوانندگان علاقه‌مند خودشان می‌فرستند به احتمال زیاد واجد شرایط انتشار نیستند. اما وقتی این بخش رسماً در مجله وجود نداشت، سردبیر می‌تواند هرگاه نقد واقعاً خوبی به دست‌اش رسید آن را چاپ کند و بقیهٔ موارد هم از چاپ نقدهای میان‌مایه و مشکوک عذر بخواهد. مسألهٔ نقد ترجمه از مسألهٔ نقد کتاب به‌طور کلی جدا نیست. و مقولهٔ اخیر تا به حال، در این چند دهه‌ای که ماهنامه‌های ادبی جدی داشته‌ایم و سعی شده است نقدنویسی باب شود، متأسفانه نتایج درخشانی به بار نیاورده. بسیاری از نقدهای کتاب را کسانی نوشته‌اند که پایهٔ اول داوری‌شان باورهای حزبی یا مرامی بوده است، و یا کسانی که به قصد تصفیة حساب شخصی قلم به دست گرفته بوده‌اند، و یا برعکس کسانی که به نیت حمایت از دوستی مطلبی نوشته، معایب اثر را به کلی نادیده گرفته و آن را یکپارچه حُسن یافته‌اند. در حالی که توانایی داوری صحیح و خالی از حُب و بُغض شرط اول نقدنویسی است.

به نقد کشیدن ترجمه این مشکل اضافی را هم دارد که نویسندهٔ نقد خودش نیز باید مترجم خبره و باتجربه‌ای باشد، بتواند به اصل کتاب ترجمه شده مراجعه کند و با موضوع کتاب نیز بیگانه نباشد. و سرانجام وقت کافی هم برای محک زدن ترجمه و انجام بررسی‌های مقدماتی دربارهٔ آثار دیگر نویسنده و ترجمه‌های آنها به زبان فارسی در اختیار داشته باشد. و به طوری که ملاحظه می‌کنید تحقق هر شرط اضافی از شرایط فوق یافتن شخص مناسب را برای نوشتن نقد دشوارتر می‌کند. یا نقدنویس بالقوه با مترجم رقیب از آب در می‌آید و یا همکار دانشگاهی؛ ای بسا نسخه‌ای از کتاب اصلی فراهم نشود، و تازه اگر همه چیز جور باشد مشکل رایج همه، یعنی قبول تعهدات بیش از حد، مانع انجام کار در چارچوب زمانی تعیین شده خواهد بود.

نویسندهٔ این سطور در روزگاری دیگر که قصد محک زدن ترجمهٔ میرزا حبیب اصفهانی را از

کتاب "ماجراهای حاجی بابا" جیمز موریه کرده بود، اقلادو ماه از وقت آزاد خود را صرف این کار و نوشتن مطلبی درباره نتایج مقابله خود کرد.<sup>۱</sup> و با وجودی که اصل انگلیسی کتاب موریه را نیز در اختیار داشت شش ماه صبر کرد تا میکروفیلم ترجمه فرانسه کتاب (که میرزا حبیب کار ترجمه خود را بر آن اساس انجام داده بود) سرانجام فراهم شد. در این دوران اگر کار مشابهی از دوستدار خواسته شود حداکثر وقتی که خواهد توانست برای آن بگذارد یک هفته است، و تازه نگران خواهد بود که دارد هفت روز از درآمد "مسافرکشی قلمی" خود عقب می‌افتد. نوشتن نقد و مطلب برای مطبوعات که در این دوران درآمدی ایجاد نمی‌کند و در حقیقت از مقوله خیرات و مبرات است. در این شرایط ببینید مسئول یک نشریه چقدر باید نفوذ کلام داشته باشد تا بتواند آدم صاحب صلاحیتی را متعهد به نوشتن نقدی کند و بعد چند و چندین بار به قصد پیگیری از استاد احوالپرسی کند تا مطلب سرانجام حاضر شود.

با همه این حرف‌ها، اگر سردبیر مترجم اصرار دارد که بخش مطلوب ولی دشوار یاب و دشمن آفرین "نقد ترجمه" را همچنان ادامه دهد - و کار خلیل مترجمان جوان تری که در سال‌های اخیر وارد بازار نشر شده‌اند جداً نیاز به نقد دارد - این گوی و این میدان. بنده به منظور ضابطه‌مند ساختن کار صورتی نوشته‌ام برای راهنمایی سردبیر از موارد دهگانه‌ای که رعایت آن‌ها را لازم می‌دانم. و نام این صورت را هم گذاشته‌ام ده فرمان نوشتن نقد ترجمه.<sup>۲</sup>

۱. ای سردبیر، ناقدی یاب که از هر نظر صالح و بی‌نظر باشد.

به نظر بنده کسی که خودش متن مورد بحث را یک دور ترجمه کرده است، نمی‌تواند کار مترجم دیگری را با رعایت تمام جوانب بی‌طرفی بسنجد، هر چند که ممکن است به لطف ترجمه قبلی خود متن را کاملاً بشناسد و با مشکلات کار آشنا باشد. نمونه‌ای که در این مورد به یاد می‌آورم نقد آقای مسعود توفان است از ترجمه کتاب *As I Lay Dying* فاکنر به دست آقای نجف دریابندری در نشریه جوانمرگی به نام "سروشیراز".

۲. هیچ نقدی را که بدون مقابله ترجمه با کتاب اصلی نوشته شده باشد می‌پذیر!

یک مورد فاجعه آمیز نقدی است که در همین مجله مترجم به چاپ رسید، از ترجمه کتابی به قلم آقای فریدون بدره‌ای، که در آن بدون دسترسی به متن اصلی و صرفاً بر اساس مقداری ملاحظات زبانی و حدس و گمان کار یکی از مترجمان برجسته روزگار ما تخطئه شده بود.<sup>۳</sup>

۳. نقدی را بپذیر که خواندنی باشد، با شکل مطلوب و در اندازه معقول!

نقد ترجمه هم مثل هر نوشته دیگری که در مجله به چاپ می‌رسد باید با مهارت و با انشای صحیح

۱- «در باب ترجمه عام فهم و خاص پسند» حاجی بابا، کتاب امروز، زمستان ۱۳۵۳، صص ۴۳ تا ۵۲. تجدید چاپ شده در کریم امامی، «از پست و بلند ترجمه»، ۱۳۷۲، صص ۳۵ تا ۶۳.

۲- معادل دقیق و اصیل ده فرمان در تورات البتة احکام عشره است.

۳- «زبان ترجمه یا زبان یا جوج و ماجوج» نوشته جواد اسحاقیان. مترجم، شماره‌های ۲۲-۲۱ (بهار و تابستان ۱۳۷۵)، صص ۷۴ تا ۷۹.

نوشته شده باشد و خوانندگان را سر شوق بیاورد. ارائه نقدی که صرفاً مجموعه‌ای از یادداشت‌های خام منتقد درباره خطاهای واقعی یا فرضی مترجم باشد کافی نیست.

۴. اجازه مده ایرادهای سلیقه‌ای بر کار مترجم گرفته شود.

اگر غلطی در کار نیست و اختلاف صرفاً بر سر پسند این واژه در مقابل آن واژه است همیشه پسند یا سلیقه مترجم بر پسند ویراستار و منتقد ارجحیت دارد.

۵. از ناقد بخواه ایرادهایش مستند به نقل قول از مراجع معتبر باشد.

و نه فقط متکی به نظر و اجتهاد شخص منتقد، هر چند درست.

۶. مطمئن شو که نقد بدون حب و بغض نوشته شده باشد.

این نکته هم از لحاظ اخلاقی و هم از نظر حقوقی هر دو اهمیت دارد. پشت بعضی از نقدها ای بسا که ماجراهایی خفته باشد و سردبیر نباید چشم‌پسته در دام رقابت‌ها و تصفیه حساب‌های خصوصی دو نفر دیگر بیفتد.

۷. نقد را به دقت بخوان و قانع شو که ایرادهای ناقد وارد است.

و به عبارت دیگر موارد انتقاد از نظر منتقد و سردبیر هر دو قابل دفاع باشد. کسی چه می‌داند. ولی این احتمال وجود دارد که روزی مترجمی از دست مجله و منتقد رسماً دادخواهی کند، و سردبیر در چنین موردی باید بتواند با دلایل محکمه‌پسند از نشریه خود دفاع نماید.

۸. از ناقد بخواه که نقد را با لحن محترمانه و با رعایت شؤونات مترجم بنویسد.

در این مورد مجله مترجم نیاز به نصیحت ندارد. تنها در پرخاشجوتترین نشریات است که گاه احترام افراد حفظ نمی‌شود.

۹. متن نقد را قبل از چاپ به رؤیت مترجم برسان.

این کار زحمت دارد ولی حُسن‌اش این است که اگر مترجم جوابی داشت بلافاصله در همان شماره مجله در کنار نقد چاپ می‌شود و خوانندگان مطلب زنده‌تری را می‌خوانند.

۱۰. اجازه مده که نقد با امضای مستعار منتشر شود.

این کار باعث می‌شود که منتقد با احساس مسؤولیت بیشتری چیز بنویسد و فکر نکند که می‌تواند هویت‌اش را در پشت یک نام مستعار پنهان کند.